

اعتقادنامهٔ رسولان

درس
اول

اصول ایمان



THIRD MILLENNIUM
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2020 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel[®]. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: اعتقادنامه رسولان (درس شماره ۱: اصول ایمان)

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مؤده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) تاریخچه

هدف و مقصود

کتاب مقدس

تعالیم سنتی

اعتقادنامهٔ رسولان

(۳) نظر کلی

خدا

تثلیث

سه شخص تثلیث

کلیسا

مشارکت

پایداری مقدسین نجات

نجات

(۴) اهمیت

بنیادین

موازین و معیار

اصول اولیه منطقی

جنبهٔ جهانی

عهد جدید

تاریخ کلیسا

زمان حال حاضر

متحدکننده

(۵) نتیجه‌گیری

اصول ایمان

مقدمه

آیا تا به حال فکر کرده‌اید که چه چیزی باعث می‌شود که یک درخت، درخت باشد؟ یا شخصی واقعا شخص باشد؟ یا به شکلی دیگر، از خود بپرسید که چه ویژگی‌ای باعث می‌شود تا جسمی را حقیقتا درخت بنامیم؟ اینها همه سوالات پیچیده‌ای است که باعث شده‌اند فیلسوفان هزاران سال در اندیشه و تفکر به سر برند. هنگامی که می‌خواهیم راجع به الاهیات مسیحی بیاندیشیم به چنین سوالاتی برخورد می‌کنیم. بنابراین بسیار مفید است که بپرسیم: «چه آموزه‌هایی برای الاهیات مسیحی، بنیادین و ضروری هستند؟»

اکنون به مجرد اینکه چنین سوالاتی را مطرح می‌کنیم باید به شکلی کاملا واضح، مطمئن باشیم که مردم می‌توانند نجات پیدا کنند، حتی اگر درک اندکی از الاهیات داشته باشند. تعهد ما به مسیح کفایت می‌کند تا ما را به افرادی مسیحی بدل کند. در عین حال شاید منطقی باشد که بگوییم هر نظام الیهاتی اگر قرار باشد «الاهیات مسیحی» خوانده شود، باید مُشتمل بر اصول عقاید مهمی باشد. از آنجایی که در طول قرون اولیه، کلیسا، اعتقادنامهٔ رسولان را به عنوان چکیدهٔ مختصر و مفیدی از اصول عقاید اصلی ایمان مسیحی ارائه می‌دهد، اعتقادنامه از اهمیت خاصی برخوردار است.

این اولین درس از مجموعه دروس «اعتقادنامهٔ رسولان» است که به شکل فزاینده‌ای به عنوان چکیده و خلاصهٔ اصول عقاید مسیحی به کار می‌رود. ما عنوان این درس را «اصول ایمان» نامگذاری کردیم، چرا که به اعتقادنامهٔ رسولان از این منظر می‌نگریم که این اعتقادنامه در برگیرندهٔ گفته‌ها و آموزه‌هایی است که باید توسط همهٔ آنهایی که خود را «مسیحی» خطاب می‌کنند؛ تایید شود. در طول قرون اولیهٔ کلیسا، اعتقادنامهٔ رسولان در اشکال متفاوتی پدیدار شده است. اما در حدود سال ۷۰۰ میلادی، به زبان لاتین، به شکلی واحد و معیار درآمد. این، ترجمهٔ فارسی این اعتقادنامه است:

من به خدای پدر، قادر مطلق،

خالق آسمان و زمین ایمان دارم.

من ایمان دارم به پسر یگانهٔ او، خداوندمان عیسی مسیح،

که از طریق روح القدس در مریم باکره لقاح یافت

و تحت حکومت پنتیوس پیلاتوس رنج کشید،

مصلوب شد، جان داد و مدفون شد؛

به عالم اسفل پایین رفت.

روز سوم از مردگان قیام کرد.

به آسمان بالا رفت
 و در دست راست خدای پدر قادر مطلق نشست.
 او از آنجا خواهد آمد تا مردگان و زندگان را داوری کند.
 من به روح القدس،
 کلیسای جامع مقدس،
 مشارکت مقدسین،
 آموزش گناهان،
 قیام مردگان
 و حیات جاودانی ایمان دارم. آمین.

بحث ما پیرامون اعتقادنامهٔ رسولان تحت عنوان «اصول ایمان» به سه بخش تقسیم می‌شود: اول راجع به تاریخچهٔ اعتقادنامه صحبت خواهیم کرد. دوم، به گفته‌های آن نگاهی اجمالی خواهیم کرد و سوم اینکه به اهمیت آموزه‌های آن در دنیای امروز خواهیم پرداخت. بیایید در ابتدا به تاریخچهٔ اعتقادنامه رسولان بپردازیم.

تاریخچه

همانطور که تاریخچهٔ اعتقادنامهٔ رسولان را مورد بررسی قرار می‌دهیم، بیشتر بر دو موضوع تمرکز خواهیم کرد. از یک سو، بسط و پیشرفت اعتقادنامه را مورد بررسی قرار خواهیم داد و به عواملی از قبیل نویسنده و تاریخ نگارش خواهیم پرداخت. و از سوی دیگر به هدف اعتقادنامه خواهیم پرداخت و دلیل اهمیت آن برای کلیسا و علت پیدایی و استفادهٔ آن را مد نظر قرار خواهیم داد. ابتدا به تاریخچهٔ بسط اعتقادنامهٔ رسولان خواهیم پرداخت.

بسط

این اعتقاد وجود داشت و این فکر حاکم بود که اعتقادنامهٔ رسولان در قرن اول و توسط دوازده رسول نوشته شده است. حتی گفته می‌شد که هر رسول یکی از دوازده بیانیهٔ متمایز کلامی و الاهیاتی آن را نوشته است. با این وجود، تقریباً هیچ مدرکی وجود ندارد که تصدیق کند چنین واقعه‌ای اتفاق افتاده باشد. و یا اینکه هر یک از رسولان به طور مستقیم در فرایند نگارش اعتقادنامه شرکت داشته است. اما اگر رسولان اعتقادنامه را نوشته‌اند، پس چه کسی آن را نوشته است؟

سوال اینکه چه کسی نگارنده اعتقادنامه رسولان است، هنوز مطرح است و پاسخ قطعی‌ای ندارد چرا که نویسنده خاصی نداریم تا آن را امضاء کرده باشد. تقریباً به طور قطع می‌توان چنین استنباط کرد که اینها سوالاتی بودند که از واجدین شرایط و متقاضیان تعمید پرسیده می‌شد، و تاریخچه آن به سال چهل تا پنجاه بعد از میلاد بر می‌گردد. بنابراین از شخص ایماندار پرسیده می‌شد: آیا به خدای پدر، قادر مطلق، خالق آسمان و زمین ایمان داری؟ این را می‌دانیم چرا که عده‌ای از مردم راجع به تجربه تعمیدشان و ارتباط آن با این سوالات صحبت می‌کنند. و در حدود سال ۲۰۰ میلادی، تروتولوس به اعتقادنامه رومی قدیم اشاره می‌کند که تقریباً معادل همان اعتقادنامه رسولان است؛ او در اشارات خود به سوالات تعمیدی اشاره می‌کند: «آیا ایمان داری»، «آیا ایمان داری»، اولین رجوع به اعتقادنامه رسولان است. روفینوس که در ۳۹۰ میلادی زندگی می‌کرده، شخصی است که خاطر نشان می‌کند که هر کدام از جملات اعتقادنامه رسولان توسط ۱۲ رسول از جمله متیاس (جایگزین یهوذا) نوشته شده. برای چنین نظریه‌ای، مدرک یا دلیل خاصی وجود ندارد؛ اما ایده نگارش اعتقادنامه رسولان توسط رسولان، قطعاً از پشتوانه بنیادینی برخوردار است.

-دکتر جان آزولت

در متون مسیحیان اولیه، فهرست بسیاری از آموزه‌های اساسی وجود دارند که شباهت بسیاری به اعتقادنامه رسولان دارند. از یک سو، اصول ایمانی هستند که جزئیات بنیادین اعتقادات را بیان می‌کنند. نوشته‌های پدران کلیسای اولیه نشان می‌دهند که اصول ایمان خلاصه عادات و عقاید کلیساهایی هستند که آنها را تولید کردند. برای مثال، اریجن در آغاز اثر خود تحت عنوان «در باب اصول اولیه» (*On First Principles*) به بیان اصول ایمان می‌پردازد. آیرنیوس نیز اصول ایمان را در کتاب اول، فصل ۱۰ از اثر خود تحت عنوان «بر علیه بدعت‌ها» گنجانده است. اصول ایمان یا مطالبی اینچنینی به جهت حفظ و پاسداری از تعالیم کلیسا به کار می‌روند؛ همچنین به جهت تعلیم ایمانداران به خصوص راهبران، مورد استفاده قرار می‌گیرند. اغلب این اصول در جماعت‌های مختلف کمی متفاوت‌اند. اما به طور کلی، همه آنها شامل تاییداتی بر آموزه‌های مهم، تعالیم اخلاقی و سنت‌ها هستند.

از سوی دیگر، برخی از فهرست‌های آموزه‌های کهن در قالب اعتقادنامه‌ها ارائه می‌شوند. اینها فهرست‌های کوتاهی بودند که بخش‌های آموزه‌های قانون ایمان کلیسا را به ویژه درباره مهم‌ترین اعتقادات خلاصه می‌کنند. این بیانات اغلب در موقعیت‌های نیایشی، به ویژه در مراسمی چون تعمید قرائت می‌شدند. در قرن اول و دوم، ممکن بود که هر جماعت محلی اعتقادنامه خاص خود را داشته باشد و یا شیوه خلاصه‌سازی حقایق اساسی کتاب مقدس در هر کلیسایی کمی متفاوت بوده باشد. اما در قرن سوم یا چهارم، برخی از اعتقادنامه‌ها اهمیت و شهرت بیشتری پیدا کردند و همین باعث شد تا در کلیساهای متعددی مورد استفاده قرار بگیرند.

یک اعتقادنامه باستانی که به این روش برجسته شده بود، اعتقادنامه‌ای از کلیسای در روم بود که غالباً به نام «اعتقادنامه رومی» نامیده می‌شد. این اعتقادنامه به اعتقادنامه رسولان بسیار شباهت دارد و بسیاری از محققان بر این باورند که اعتقادنامه رسولان نسخه جدیدتر اعتقادنامه روم بوده است.

اما بدون در نظر گرفتن ریشه‌های دقیق آن، آنچه که فراتر از یک سوال صرف، به نظر می‌آید، این است که چرا در نهایت از اعتقادنامه رسولان، به ویژه در کلیساهای غربی، استفاده گسترده به عمل آمد؟ در طول قرون اولیه، جمله‌بندی به کار رفته در متون نوشتاری، از کلیسایی به کلیسایی دیگر، تا حدودی متفاوت بود. اما در قرن هشتم، جمله‌بندی عموماً به شکل معیاری درآمد که امروزه می‌شناسیم و استفاده می‌کنیم.

با این درک ذهنی از بسط تاریخی اعتقادنامه، باید به هدفی پردازیم که در پس پیدایش و استفاده از اعتقادنامه رسولان وجود داشت.

هدف

در روزگار ما، بسیاری از مسیحیان نسبت به اعتقادنامه‌ها شک و ابهام دارند، و درک این مسئله برای شان دشوار است. اگرچه عده کمی از مردم، صریح و بی‌پرده ادعا می‌کنند که یک اعتقادنامه از اعتبار و اقتداری یکسان با کتاب مقدس برخوردار است، اما گاهی اوقات مسیحیانی با حسن نیت، نسبت به اعتقادنامه‌ای خاص طوری برخورد می‌کنند که گویی از اعتباری برابر با کتاب مقدس برخوردار است. اما تاکنون، چه در عمل و چه در نظر، هیچ اعتقادنامه‌ای تا به این سطح از اعتبار، ارتقاء نیافته است و هرگز برابر با کتاب مقدس در نظر گرفته نشده است.

کتاب مقدس تنها مرجع الهامی و قانون و معیار خطاناپذیر، برای ایمان و عمل است. اعتقادنامه‌ها در سوی دیگر، ابزارهای آموزشی خطاپذیری هستند که درک ما از کتاب مقدس را خلاصه می‌کنند. همانطور که خواهیم دید، اعتقادنامه رسولان به وجود آمد که به مسیحیان کمک کند تا تعالیم درست کتاب مقدس را فرا بگیرند و در آنها درست و ثابت قدم باقی بمانند.

هدف اعتقادنامه رسولان را در سه مرحله بررسی خواهیم کرد. نخست، کتاب مقدس را به عنوان مرجع اصلی آموزه صحیح مد نظر قرار خواهیم داد. دوم، آموزه‌های سنتی کلیسا را به عنوان تصدیقی بر کتاب مقدس در نظر خواهیم گرفت. و سوم، خواهیم دید که اعتقادنامه رسولان قصد دارد درک و فهم سنتی کلیسا از کتاب مقدس را خلاصه کند. بیایید با این واقعیت آغاز کنیم که مسیحیان سرسپرده همیشه کتاب مقدس را به عنوان زیربنای آموزه‌های تعلیمی مورد تایید قرار داده‌اند.

کتاب مقدس

به سخنان اریجن، یکی از پدران کلیسای اولیه توجه کنید که در مقدمهٔ کتاب خود تحت عنوان «در باب اصول اولیه» در اوایل قرن سوم نوشته شده است:

همهٔ کسانی که ایمان دارند... آن علمی که آدمی را به زندگی خوب و شادمان سوق می‌دهد را تنها از منبع سخنان و تعالیم مسیح استخراج می‌نمایند. و منظور از سخنان مسیح، تنها به این معنی نیست که شامل سخنانی باشد که مربوط به تجسم و زندگی زمینی او باشد... چرا که قبل از آن زمان، مسیح، کلمهٔ خدا، در زمان موسی و انبیا سخن می‌گفت... علاوه بر این... او بعد از صعود به آسمان به واسطهٔ رسولانش سخن گفت.

اریجن چنین تعلیم می‌داد که کتاب مقدس در تمام بخش‌هایش سخنان مسیح و منبع همهٔ آموزه‌های درست است.

به سخنان اسقف هیپوتیلوس گوش دهید که در اوایل قرن سوم می‌زیست؛ او در بخش نهم از اثر خود تحت عنوان علیه بدعت نوئتوس چنین می‌نویسد:

ای برادران، تنها یک خدا وجود دارد، که شناخت او تنها از طریق کتاب مقدس میسر است، و نه از هیچ منبع دیگری!

کلیسای اولیه بر این اعتقاد بود که کل کتاب مقدس کلام مسیح است که توسط رسولان به ایمانداران ارائه شده است. در همین ارتباط، آنها مفهومی را تایید می‌کردند که الاهیدانان آن را سولا اسکریپتورا (sola Scriptura) یا فقط کتاب مقدس می‌نامند. این دیدگاه مشتمل بر این اعتقاد است که کتاب مقدس تنها منبع خطاناپذیر قانون ایمان و تنها منبع و حکم نهایی در هر مناقشهٔ الاهیاتی است.

نمونه‌ای آشکار در این رابطه، نوشته‌های باسیل است که در ۳۷۰ میلادی به عنوان اسقف شهر اسکندریه انتخاب شده بود. باسیل یکی از مدافعین قدرتمند سنت‌ها و یا آداب و رسوم کلیسا بود، که اغلب در اعتقادات او چنین ابراز می‌شود که این سنت‌ها به رسولان مسیح باز می‌گردد. با این وجود، زمانی که سوالی مهم در مورد اصالت این سنت‌ها مطرح می‌شود، او تنها به کتاب مقدس به عنوان مرجع نهایی رجوع می‌کند. به سخنان باسیل که در نامهٔ ۱۸۹ خود، خطاب به یوستاتیوس پزشک (Eustathius) نوشته، توجه کنید:

اجازه دهید خدایی که الهام‌بخش کتاب مقدس بوده است، میان ما تصمیم بگیرد. و آموزهٔ هر کدام که در هماهنگی با کلام خدا یافت شود، به نفع آن رأی بر حقیقت داده شود.

در اینجا باسبیل اعتراف کرد که برخی از کلیساها مجموعه‌ای از ایده‌های مرسوم را در اصول ایمانی خود گنجانده و مورد تایید قرار می‌دادند؛ در حالی که کلیساهای دیگر آداب و رسوم متناقضی را اتخاذ کرده بودند. بنابراین، او به کتاب مقدس به عنوان بالاترین مرجع معتبر برای حل و فصل این موضوع رجوع کرد. کلیسای اولیه بر کتاب مقدس به عنوان پایه‌ای برای همهٔ آموزه‌های خود، به شدت اتکا می‌کرد. اما با این وجود، ایمانداران هنوز هم وابسته به آموزه‌های سنتی کلیسا بودند تا آموزه‌های کتاب مقدس را بتوانند خلاصه کرده و حفظ کنند.

تعالیم سنتی

اکنون، منطقی است که بپرسیم چرا کلیسا احساس الزام می‌کرد تا آموزه‌های سنتی خود را حفظ کند. آیا کافی نبود فقط به حفظ کتاب مقدس پرداخت و اجازه داد کتاب مقدس، خودش صحبت و از خودش دفاع کند؟

خُب، نیاز به تدوین و فرموله کردن خلاصه‌ای وجود دارد، همچنین لازم است که اظهارات روشنی در مورد اعتقادات کلیسا فراهم بیاید. به ویژه، به دلیل وجود معلمان کاذبی که تعالیم‌شان با آنچه که رسولان و کتاب مقدس تعلیم می‌دهد، مغایرت دارد. به این ترتیب، به خصوص در پاسخ به این آموزه‌های نادرست، کلیسا نیاز به تدوین بیانیهٔ مختصر و روشن از اعتقاداتش دارد.

- دکتر اریک توئیس

کلیسا همیشه کتاب مقدس را به عنوان پایهٔ ایمان خود قلمداد می‌کرده، اما البته، کتاب مقدس بسیار طولانی و به لحاظ نوشتاری محدود بود. بنابراین، برای کلیسا بهتر بود که به طور خلاصه، آموزه‌های اساسی را در یک اعتقادنامهٔ منظم بگنجانند تا همهٔ افراد قادر به درک و فهم دین بدون نیاز به خواندن تمام کتاب مقدس باشند.

- دکتر ریاد کاسیاس

اعتقادنامهٔ رسولان در تاریخ کلیسای اولیه بسیار با ارزش، حتی لازم و ضروری بود؛ چرا که کائن کتاب مقدس، هنوز به طور رسمی تصویب نشده بود و در حدود ۳۹۷ میلادی بود که کلیسا به طور رسمی کائن کُتب مقدس را فهرست کرد. بنابراین، ایمان معتبر کلیسا چه بود؟ آنچه در اعتقادنامهٔ رسولان خلاصه شده بود. اما در آن زمان، کتاب مقدس در دست بود. بنابراین، چرا باید همچنان به اعتقادنامه رجوع کنیم؟ چون نمی‌توانیم همهٔ مردم را وادار به درک تمام

کتاب مقدس کنیم؛ مخصوصاً قبل از اینکه آنها را به عنوان اشخاص مسیحی در میان خود بپذیریم. اعتقادنامهٔ رسولان هنوز هم خلاصهٔ تعالیم اساسی کتاب مقدس را به روشی بسیار ساده ارائه می‌دهد و به همین دلیل، باید در حال حاضر نیز از آن استفاده کنیم.

- دکتر پال چانگ

معلمان کذب مشکلات زیادی در کلیسا به وجود آوردند. برخی حتی جوانب مرکزی خود انجیل را نیز انکار کردند. راهبران خداترس مسیحی، در پاسخ به این شرایط خلاصه‌های کوتاهی از تعالیم مرکزی کلام خدا درست کردند تا همهٔ مسیحیان محتوای اساسی ایمان را بدانند و تایید کنند. گوش کنید که اریجن چطور این مشکل را در بخش دیگری از مقدمهٔ اثر خود به نام «در باب اصول اولیه» توصیف کرد:

بسیاری هستند که فکر می‌کنند عقاید مسیح را دارند، و در عین حال برخی از همین افراد متفاوت از پیشینیان خود می‌اندیشند، با این حال، آنچه به عنوان تعلیم کلیسا شناخته می‌شود به طور منظم از رسولان منتقل گشته و باقی مانده و تا به امروز در کلیساها جاری است؛ این اصول تعلیمی که هنوز هم حفظ شده، به تنهایی به عنوان معیار حقیقت پذیرفته شده و در هیچ جنبه‌ای از سنت کلیسا و رسولان متفاوت نیست.

توجه کنید که در اینجا اریجن چه می‌گوید. او نمی‌گوید که تعلیم کلیسا مصون از خطاست، یا اینکه همیشه کامل است. بلکه می‌گوید که تعلیم کلیسا باید به عنوان حقیقت پذیرفته شود، به دلیل اینکه به طور منظم از رسولان منتقل شده و باقی مانده و تا به آن روزگار در کلیساها جاری بوده است. به عبارت دیگر، در روزگار اریجن، تعلیم کلیسا هنوز هم خلاصهٔ دقیقی از سخنان مسیح در کتاب مقدس بود. و به همین دلیل، کلیسا در زمانهٔ خود قادر بود از آن به عنوان «معیار ایمان» یا «معیاری» برای محک آموزه‌ها استفاده کند. اما بالاترین منبع نهایی و قابل استناد، عهد جدید محسوب می‌شد نه تعلیم کلیسای معاصر آن زمان.

ممکن است بتوانیم این ایده را به شکل زنجیره‌ای ساخته شده از چند رشته، بهتر نشان دهیم. کلیسای اولیه بر آن بود که به تعالیم مسیح به طور استوار تکیه کند؛ این خصوصیت را می‌توان در کتاب مقدس یافت. همین مسئله باعث می‌شود مسیح اولین رشتهٔ زنجیره شود. رسولان با مسیح تماس مستقیم داشتند، و به طور مستقیم توسط او تعلیم داده شدند. بنابراین، آموزه‌های آنها رشتهٔ دوم اتصال در زنجیره محسوب می‌شوند. سپس رسولان شناخت و دانش خود از مسیح کتاب مقدس را حفظ کردند که این کتاب مقدس را به رشتهٔ سوم اتصال در زنجیره تبدیل می‌کند. هر یک از این سه رشته اتصال کامل و مصون از خطا بود، چرا که زیر نظر روح القدس به انجام رسید.

اما رشتهٔ اتصال چهارم، یعنی آموزه‌های سنتی کلیسا، متفاوت بودند. انتقال این آداب و رسوم مصون از خطا نبود. روح‌القدس تضمین نکرد که آنها از خطا دور نگاه داشته خواهند شد. در واقع، همانطور که دیدیم، آداب و رسوم برخی از کلیساها با آداب و رسوم دیگر کلیساها در تضاد بود.

برخی از این تعالیم که به مسائل جزئی عملی مرتبط هستند، در کتاب مقدس به طور مستقیم مطرح نشده‌اند. اما سنت‌های دیگری وجود دارند که خلاصهٔ مفاهیم اصلی کتاب مقدس را ارائه می‌دهند؛ به ویژه در ارتباط با اصول اصلی ایمان، مانند آنهایی که در اعتقادنامهٔ رسولان ذکر شده‌اند.

هنگامی که نوبت به این باورهای مرکزی می‌رسد، سنت‌ها توسط بسیاری راهبران کلیسایی در جاهای مختلف و در طول اعصار تایید شده‌اند. علاوه بر این، آنها را می‌توان با رجوع مستقیم به کتاب مقدس مورد تایید قرار داد. به همین دلیل اریجن در تبیین آموزه‌های سنتی کلیسا به عنوان قاعده و اصول ایمان، اطمینان داشت. با این وجود، این ارتباط نیز مصون از خطا نبود. همیشه این امکان وجود داشت که کلیساها، یا شوراهای آن و یا مسیحیان مرتکب خطا شوند. به سخنان سایپریان، اسقف کارتاژ در قرن سوم گوش کنید، که در رسالهٔ ۷۳ خود در پاسخ به آموزه‌های ارائه شده توسط استیفان، اسقف روم نوشت:

نباید مرسوم شود که از حاکمیت و رواج حقیقت و راستی ممانعت به عمل آید، چنانکه در میان برخی این مُعضل رخنه کرده است؛ اتکا به آداب و رسومی که از حقیقت و راستی به دور باشند، خطایی قدیمی است.

منظور سایپریان این بود که برخی از دیدگاه‌ها و عادات باستانی مسیحی واقعا ریشه در حقایقی نداشت که از رسولان به آنان واگذار شده بود. در عوض، «خطایی قدیمی» محسوب می‌شدند؛ اشتباهاتی که مدت‌ها پیش به کلیسا رخنه کرده بودند. در واقع، این ماجرا دقیقا بر اساس مشکل خطاپذیری انسان پدید آمده بود. به همین جهت برای کلیسا مهم بود که قوانین مربوط به ایمان را در شکل نوشتاری در بیاورد. اریجن و دیگر پدران کلیسای اولیه اصول ایمان کلیسا را به نگارش درآوردند تا اطمینان حاصل کنند که مسیحیان در سراسر جهان قادر خواهند بود آموزه‌های خود را با تعالیم سنتی مقایسه کنند. شوراهای کلیسایی نیز آموزهٔ تعالیم سنتی را ثبت کردند؛ طوری که بتوانند قضاوت خود را به اطلاع همهٔ مسیحیان در مکان‌ها و زمان‌های مختلف برسانند.

در تمام موارد، هدف از حفظ آموزه‌های سنتی این بود که اطمینان حاصل شود که کلیسا از مفهوم اصلی کتاب مقدس منحرف نشود، تا ایمانداران به درستی تعالیم رسولان را درک کرده و تا سخنان مسیح را نیز به شکلی درست درک و زندگی کنند.

کتاب مقدس کتاب بسیار قطوری است، و بنابراین از یک نظر، نمی‌توانید بگذارید که خودش، خودش را ابزار کند. از این رو، نیاز به خلاصهٔ خوبی از آن دارید. حتی در عهد جدید نیز نسبت به آموزهٔ مسیح‌شناسی با چالش‌های عمده‌ای روبرو هستیم. به همین دلیل می‌بینید که رسولان تا چه اندازه تلاش و استدلال کردند که بگویند که مثلاً، «نه، این حقیقت است و نه آن». و حتی این موضوع تا قرن دوم میلادی ادامه یافته. برخی از چالش‌های عمده در رابطه با آموزهٔ مسیح‌شناسی و ماهیت کتاب مقدس را می‌توانید مشاهده کنید. به طوری که لازم بود آنها ایمان کتاب مقدس را به شکلی خلاصه و چکیده در بیاورند. همین مسئله منجر به پدید آمدن اعتقادنامهٔ رسولان شد. مهم این است که به خاطر داشته باشیم آنها در واقع سعی نمی‌کردند تا چیزی به کتاب مقدس اضافه کنند، بلکه تلاش می‌کردند تا توجه همه را به معنای کلام جلب کنند و منظور آن را روشن‌تر به تصویر بکشند.

- دکتر پیتر واکر

باسیل در کتاب خود تحت عنوان «در باب روح القدس» که در سال ۳۷۴ میلادی نوشته شده، اینطور

می‌نویسد:

ما نیز همان را می‌گوییم که پدران ما گفتند... اما ما تنها بر این اعتقاد که این واقعیت برگرفته از سنت پدران است، اتکا نمی‌کنیم. بلکه اتکای ما بیشتر بر این اساس است که عقاید ما برگرفته از مضمون کتاب مقدس است.

حال باید خاطر نشان کرد که کلیسای اولیه در حراست از آموزه‌های سنتی خود، نگرانی زیادی در موارد جزئی آموزه‌ها نداشت. آنها بیشتر بر باورها و عملکردهای اساسی و اصلی متمرکز شده بودند. این خصوصیت از استدلالات آن که در نوشته‌های‌شان آمده، و همچنین از نوع نگارش اصول ایمانی آنها، روشن و نمایان است. به عنوان مثال، مسیحیان کلیسای اولیه علیه دوستیست‌هایی نوشتند که جنبهٔ انسانی مسیح را تکذیب می‌کردند، و علیه ناستیک‌ها نوشتند که معتقد بودند خدای عهد عتیق شریک بود که اجازه داد تمام انواع گناهان جسمانی به انجام برسند. آنها علیه بسیاری دیگر از آموزه‌های نادرست که اصول اساسی کتاب مقدس را به چالش می‌کشیدند، مطالب بسیاری نوشتند.

حال که در مورد کتاب مقدس و تعالیم سنتی کلیسا صحبت کردیم، آماده‌ایم تا ببینیم چگونه اعتقادنامهٔ رسولان آموزه‌های سنتی کلیسا را به لحاظ فردی برای ایمانداران خلاصه کرده است.

اعتقادنامهٔ رسولان

همانطور که دیدیم از اعتقادنامهٔ رسولان، به طور گسترده‌ای جهت تاکید بر این موضوع استفاده می‌شد که نوایمانان مسیحی باید به چه تعالیم بنیادی کتاب مقدس اعتقاد داشته باشند. تقریباً به همین ترتیبی که کلیساهای امروزی نوایمانان را در کلاس‌ها یا جلسات مطالعهٔ کتاب مقدس تعلیم می‌دهند، کلیسای اولیه از اعتقادنامه‌ها برای تعلیم اصول ایمان به ایمانداران جدید استفاده می‌کرد.

آگوستین، اسقف معروف شهر هیپو که در سال‌های ۳۵۴ تا ۴۳۰ میلادی زندگی می‌کرد ارزش اعتقادنامه را در موعظه‌ای برای نوایمانان مسیحی که برای تعمید گرفتن آماده می‌شدند، بیان می‌کند. در این موعظه اعتقادنامهٔ نیکیه مورد نظر وی بود، ولی سخنان او در واقع خلاصه‌ای بود بر مقصود و کاربرد هر نوع اعتقادنامه‌ای که در نخستین قرون کلیسا مورد استفاده قرار می‌گرفت. آگوستین در موعظه‌ای برای نوایمانان، دربارهٔ اعتقادنامه چنین می‌نویسد:

کلامی که شنیدید همگی از کتب الهی بود که به صورت پراکنده در بخش‌های مختلف آن آمده است. بنابراین همهٔ آن را خلاصه و در یک مجموعه گنجانده‌اند، تا کسانی که حافظهٔ ضعیفی دارند مشوش نشده و بتوانند اعتقادات خود را حفظ و بازگو نمایند.

همانطور که آگوستین اشاره کرد، تعالیم اساسی مسیحیت در بخش‌های مختلف کتاب مقدس به صورت پراکنده آمده‌اند. بنابراین کلیساهای باستانی و کهن، اعتقادات اصلی کتاب مقدس را در اعتقادنامهٔ رسولان خلاصه کردند تا با این کار اطمینان حاصل کنند که همهٔ ایمانداران، حتی کسانی که به گفته او تعلیم ندیده یا گند هستند نیز بتوانند تعالیم اصلی کتاب مقدس را حفظ کنند.

البته از آنجا که هر جماعتی اعتقادات متفاوت خود را داشته پس مطمئناً هر کدام از آنها یک مجموعه اعتقاداتی را به عنوان حداقل اصول اعتقادی برای خود در نظر گرفته‌اند. برخی از کلیساها نیازی نمی‌دیدند که نوایمانان درک کاملی داشته باشند در حالی که دیگر کلیساها ایماندارانی را که ایمان حقیقی داشته اما دانش الاهیاتی نداشتند را از بقیه جدا می‌کردند. اما با وجود این تفاوت‌ها، کلیسای اولیه به این نتیجه رسید که به اعتقادنامه‌ای نیاز دارد که مورد پذیرش همهٔ مشارکت‌های مسیحی باشد.

اعتقادنامهٔ رسولان برای رفع این نیاز به وجود آمد. اظهارات این اعتقادنامه در واقع اعتقاداتی هستند که به شکلی کوتاه و ساده بیان شده‌اند و باید توسط همهٔ کسانی که خود را مسیحی می‌خوانند قابل درک باشند.

در حقیقت اعتقادنامهٔ رسولان خلاصه‌ای از ایمان مسیحی است و به این نکته اشاره می‌کند که هرچند همهٔ ما معتقدیم هر کلمه‌ای از کتاب مقدس بدون اشتباه و خطاست ولی با این وجود به خلاصه‌ای از آن نیاز داریم تا مردم

به اهمیت انجیل پی ببرند. اعتقادنامهٔ رسولان چنین خلاصه‌ای است که بر گرفته از سنت اولیهٔ مسیحیان و بر اساس تعالیم رسولان است که مسیح برای آنها دربارهٔ ایمان مکشوف کرده. «من ایمان دارم» عبارتی است که همه چیز از آن نشئت می‌گیرد. مهم‌ترین موضوع این است که اعتقادنامهٔ رسولان به ما کمک می‌کند تا هر آنچه که برای اعلام انجیل لازم است را بیان کنیم.

- دکتر آلبرت موهلر

اکنون که از تاریخ اعتقادنامهٔ رسولان سخن گفتیم، آماده‌ایم که نمایی کلی از آنچه که اعتقادنامه مورد تصدیق و تأیید قرار داده است را ارائه دهیم. این تصویر بزرگ از اعتقادات مسیحیان، امروز نیز می‌تواند به اندازهٔ قرون اولیهٔ کلیسا مفید باشد.

نظر کلی

در طول سالیان متمادی، الاهیدانان محتوای اعتقادنامهٔ رسولان را به روش‌های گوناگون توضیح داده‌اند. در این درس، ما از سه دیدگاه به بررسی اعتقادنامهٔ رسولان خواهیم پرداخت. اول، به آموزهٔ خدا خواهیم پرداخت. دوم، راجع به کلیسا صحبت خواهیم کرد. و سوم، موضوع نجات را بررسی می‌کنیم. بیایید با آموزهٔ خدا در اعتقادنامه کار را آغاز کنیم.

خدا

آموزهٔ خدا از نظر الاهیات مسیحی در مقایسه با هر آنچه که به آن می‌پردازیم چه از نظر کلیات الاهیات مسیحی، یا ایمان مسیحی و یا عملکرد مسیحی، از اهمیت بیشتری برخوردار است. هر آنچه را که ما راجع به خودمان و یا از جهان درک کردیم، و یا معنا و مفهوم و مقصود جهان هستی را شناختیم، همه به شناخت ما از خداوند بر می‌گردد. همهٔ آموزه‌ها چه مربوط به نجات‌شناسی و یا آخرت‌شناسی، همه مبتنی بر آموزهٔ خداشناسی و شناخت ما از خدا و همچنین خدای تثلیث است. همهٔ امید و اطمینان ما در این زندگی، همهٔ آنچه که راجع به نجات و آمرزش گناهان می‌اندیشیم، همه ریشه در خدا دارد که بر حسب نقشهٔ خود حیات و نجات را برای ما فراهم آورده؛ خداست که اراده و هدف خود را به عمل رسانده و همهٔ امور را مطابق با ارادهٔ الهی خودش به سرانجام می‌رساند. بنابراین همه چیز به اندیشه و طرز فکر ما راجع به خدا بستگی دارد.

- دکتر استفان ولوم

به نظر می‌رسد که دو جنبهٔ مهم در رابطه با آموزهٔ خدا در اعتقادنامهٔ رسولان وجود دارد. اول اینکه، اعتقادنامه بر اساس این عقیده پایه‌ریزی شده است که وجود خدا در تثلیث است. و دوم اینکه، راجع به شخص‌های خدای تثلیث بیانات متفاوتی دارد که به عنوان پدر، پسر و روح القدس نامیده می‌شوند. بیابید ابتدا به تثلیث بپردازیم.

تثلیث

متوجه خواهید شد که اعتقادنامهٔ رسولان به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود، و هر یک از آنها با جملهٔ «من ایمان دارم» آغاز می‌شود. بخش اول راجع به اعتقاد به خدای پدر صحبت می‌کند. بخش دوم در مورد اعتقاد به عیسی مسیح، پسر یگانهٔ او و خداوند ما صحبت می‌کند. و بخش سوم، اعتقاد به روح القدس را خلاصه کرده و خدمات او را فهرست می‌کند.

در حال حاضر، باید به این نکته اشاره کنیم که همهٔ نسخه‌های باستانی اعتقادنامه، قبل از بیاناتی در مورد عیسی مسیح جملهٔ «من ایمان دارم» را به همراه ندارند. به جای این جمله، فقط از «و» استفاده می‌کنند که در این بافت متنی همان وزن عبارت «من ایمان دارم» را در خود دارد. با این حال، در تمام موارد، تقسیم‌بندی اعتقادنامه، بر اساس شخص خدا تنظیم شده و توسط کلیسا به طور عمومی تصدیق شده است. این قاعده سه‌گانه است و بر این باور مبتنی است که تنها یک خدا وجود دارد، و همچنین اینکه خدا در سه اقنوم، یعنی سه شخص پدر، پسر و روح القدس وجود دارد.

این همان قاعده‌ای است که در متونی مانند انجیل متی ۲۸: ۱۹ می‌یابیم؛ جایی که عیسی به شاگردان خود ماموریت داد و گفت:

پس رفته، همهٔ امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تعمید دهید (متی ۲۸ : ۱۹).

در اینجا، همانطور که در اعتقادنامهٔ رسولان ذکر شده است، اشاره به این سه نام در کنار هم و در شرایط مساوی نشان می‌دهد که در حالی که پدر، پسر و روح القدس همه سه شخص مجزا هستند، اما آنها تنها یک خدا هستند.

در حال حاضر، مسلماً، اعتقادنامهٔ رسولان به طور خاص کلمهٔ «تثلیث» را ذکر نکرده و جزئیات آن را مطرح نمی‌کند. اما به یاد داشته باشید که اعتقادنامه به عنوان خلاصه‌ای از اعتقادات در نظر گرفته شده بود، نه بیانیه‌ای جامع از اصول ایمانی! و هنگامی که از آن در پرستش کلیسا استفاده شد، همه در کلیسا می‌دانستند که اشاره به این سه اقنوم و شخص خدا در واقع حکایت از مفهوم تثلیث دارد.

اکنون، همهٔ مسیحیان به طور کامل معنای واژهٔ تثلیث را درک نمی‌کنند، بنابراین باید مکث کنیم تا آن را توضیح دهیم. تثلیث معمولاً به این شکل بیان می‌شود:

خدا سه شخص است، اما تنها یک ذات دارد.

منظور از شخص، بیشتر شخصیت خودآگاه و مجزا است. و منظور از ذات، اشاره به ماهیت بنیادین خدا یا جوهر تشکیل‌دهندهٔ اوست.

البته، مفهوم تثلیث برای درک انسان بسیار دشوار است. وجود و ماهیت خدا فراتر از قلمرو تجربهٔ انسانی ماست. از این جهت دشوار است که بتوانیم او را تصور کنیم. با این حال، تثلیث یکی از مهم‌ترین اعتقادات مشخص مسیحیت است. اما چگونه چنین آموزهٔ پیچیده‌ای به سنگ بنای مهمی در الاهیات مسیحی بدل می‌شود؟

تثلیث امری است که تنها زمانی با آن روبرو می‌شوید که کتاب مقدس را به روشی جامع بخوانید. ملاحظه خواهید کرد که در شخصیت‌های مجزای خود، پدر به وضوح خداست؛ و پسر به وضوح خدا است؛ و روح القدس به وضوح خدا است. و بنابراین نیاز به ترکیب تعلیم کتاب مقدس با چیزی شبیه به آموزهٔ تثلیث وجود دارد.

- دکتر اریک توئیس

بنابراین آموزهٔ تثلیث به سنگ بنای الاهیات مسیحی بدل می‌شود، من آن را از آن جهت در درجهٔ اول قرار می‌دهم که آموزه‌ای کتاب مقدسی است. اکنون، باید مراقب باشیم که چگونه این حقایق را درک می‌کنیم؛ چرا که تثلیث واژه‌ای است که در کتاب مقدس نیست، اما مفهوم آن وجود دارد. بنابراین در مجموع تعلیم کتاب مقدسی، کلام خدا به ما می‌گوید که او کیست. یعنی او یکی است، پدر خدا است، پسر خدا است و روح القدس خدا است. وقتی با هم در مجموعه و در شکل یک بستهٔ کامل قرار می‌گیرند کتاب مقدس چنین نتیجه‌گیری می‌کند که خدا، خدای تثلیث و سه شخص است.

- دکتر رابرت لیستر

بنابراین، هنگامی که می‌گوییم که خدا مرکب از یک ذات است، از حقیقتی کتاب مقدسی دفاع می‌کنیم که فقط یک خدا وجود دارد. و تلاش می‌کنیم توضیح دهیم که چگونه سه شخص متمایز می‌توانند یک خدا باشند. از واژهٔ ذات استفاده می‌کنیم تا اشاره به هویتی داشته باشیم که هر یک از این سه شخص به طور کامل با یکدیگر در آن شراکت دارند. در واقع این ذات یا جوهر به طور یکسان و هم‌اندازه به پدر و پسر و روح القدس تعلق دارد.

و هنگامی که می‌گوییم که خدا در سه شخص وجود دارد، از حقیقتی کتاب‌مقدسی دفاع می‌کنیم که پدر، پسر و روح‌القدس متمایز از یکدیگر هستند. آنها سه شخص متمایز از یکدیگرند، اما با یکدیگر تعامل نیز دارند. از بسیاری جهات، مفهوم تثلیث رازی بزرگ تلقی می‌شود. اما همچنین خلاصه‌ای دقیق از تعالیم متعدد کتاب‌مقدس راجع به ذات خدای خارق‌العادهٔ ما محسوب می‌شود.

ایدهٔ تثلیث برای الاهیات مسیحی به دلایل بسیار، حیاتی است. به عنوان مثال، از باور ما که عیسی خداست و نه صرفاً خدای پدر در لباس مبدل، دفاع می‌کند. همچنین توضیح می‌دهد که چرا ما یکتاپرستی را تایید می‌کنیم و با وجود اینکه سه شخص را عبادت و به آنها دعا می‌کنیم، یعنی پدر، پسر، و روح‌القدس، اما تنها یک خدا را عبادت می‌کنیم. گذشته از این، به ما کمک می‌کند تا به همهٔ شخص‌های تثلیث، احترام متناسب را ابراز کنیم. و با این آگاهی مایهٔ آسودگی ماست که حضور و کمک هر یک از اقاییم خدا، حضور و کمک خود خدا است. در واقع، باور به تثلیث به قدری زیربنای دیگر اندیشه‌های مسیحی است که دشوار می‌توان مسیحیت تاریخی را بدون آن متصور شد.

پس از بررسی آموزهٔ خدا در اعتقادنامهٔ رسولان از نظر تثلیث، آماده‌ایم اظهارات آن در مورد سه شخص متمایز خدا را مورد بررسی قرار دهیم.

سه شخص تثلیث

در رابطه با خدای پدر، اعتقادنامه به او صفت قادر مطلق را نسبت می‌دهد، و اشاره به این واقعیت تاریخی دارد که او خالق آسمان و زمین است. حال، خدا قطعاً دارای ویژگی‌ها و خصوصیات بی‌سابقه از قدرت مطلق و حاکمیت است، و او اعمالی حیرت‌انگیزتر از خلقت جهان را انجام داده است. و از برخی جوانب مهم، حتی توضیحات اعتقادنامه راجع به پدر، مسیحیت را از مذاهب دیگر که ممکن است اعتقاد به حاکمیت خالق الاهی داشته باشند، متمایز نمی‌کند. اما کلیسای اولیه احساس می‌کرد که این اظهارات به اندازهٔ کافی نشان می‌دهد که باورهای فردی در مورد پدر با مسیحیت سازگار است. و بر این اعتقاد اتکا داشتند که دیگر اظهارات اعتقادنامه، مسیحیت را از سایر مذاهب متمایز خواهد کرد.

به عنوان مثال، اعتقادنامه بیشتر در مورد پسر یعنی عیسی مسیح سخن می‌گوید. هر چند که هیچ یک از صفات او را توصیف نمی‌کند، اما جزئیاتی از زندگی زمینی و خدمتی او را مطرح می‌کند. این جزئیات اغلب توسط افراد خارج از کلیسا، انکار می‌شوند.

اعتقادنامه به تجسم عیسی مسیح اشاره می‌کند، آمدن او به زمین را به عنوان نوزاد انسانی بازگو می‌کند، و زندگی او را در غالب یک انسان واقعی مطرح می‌کند. راجع به درد و رنج، مرگ، تدفین، قیام و صعود او به آسمان

صحبت می‌کند. کتاب مقدس به ما می‌گوید که بی‌ایمانان این حقایق اساسی را با وجود اینکه تحقق یافته‌اند، انکار می‌کنند.

حتی امروزه نیز بسیاری از تاریخ‌نگاران لیبرال و الاهی‌دانان، همچون بسیاری از فرقه‌های مسیحی و ادیان نادرست این حقایق را انکار می‌کنند. به عنوان مثال، اسلام تاکید می‌کند که عیسی‌ای مسیح پیامبر واقعی خدا بود. اما اصرار دارد که او هرگز به صلیب کشیده نشد و یا رستاخیز نیافت، و الوهیت او را انکار می‌کند.

در نهایت، اعتقادنامه نقش عیسی‌ای مسیح را به عنوان کسی مطرح می‌کند که همه بشریت را در روز آخر قضاوت و ستمکاران را محکوم خواهد کرد، اما حیات ابدی و متبارک ایمانداران را تضمین می‌کند. اعتقادنامه راجع به روح القدس می‌گوید که او باعث لقاح مریم مقدس به عیسی‌ای مسیح گردید. به جز این، اعتقادنامه تنها بر وجود عیسی به عنوان یک شخص مجزا در خدا تاکید می‌کند. با وجود این، اعتقادنامه به طور ضمنی، روح القدس را با کلیسا و تجربه ما از نجات در زمان حال و آینده مرتبط می‌کند.

در درس آینده بیشتر در مورد هر یک از اقاویم و سه شخص تثلیث صحبت خواهد شد. بنابراین اکنون بیشتر به این مورد اشاره خواهیم کرد که اعتقادنامه نه تنها بر تثلیث تاکید می‌کند، بلکه راجع به هر شخص تثلیث طوری صحبت می‌کند که گویی هسته مرکزی ایمان مسیحی است. در حالی که اظهارات اعتقادنامه بسیار گسترده نیست ولی به اندازه کافی در مورد خدا و سه شخص تثلیث سخن می‌گوید تا متمایز کننده کسانی باشد که ایمان تاریخی مسیحی را تصدیق یا انکار می‌کنند.

حال که ما اظهارات اعتقادی راجع به خود خدا را مطرح کردیم، آماده‌ایم به این نکته اشاره کنیم که اعتقادنامه رسولان چگونه راجع به کلیسا صحبت می‌کند.

کلیسا

اعتقادنامه رسولان، کلیسا را در دو عبارت مختلف توصیف می‌کند. اول، کلیسا را به نام کلیسای جامع مقدس خطاب کرده، و دوم، کلیسا را به عنوان مشارکت مقدسین توصیف می‌کند. این عبارات به بسیاری از روش‌های مختلف تفسیر شده است و ما در درس‌های آینده، آنها را با جزئیات بیشتری توضیح خواهیم داد.

در حال حاضر، خیلی ساده اشاره می‌کنیم که منظور از عبارت کلیسای جامع مقدس اشاره به کلیسای کاتولیک روم نیست بلکه منظور اشاره به همه کلیسا و در سرتاسر جهان است.

با این حال، ممکن است برای بسیاری از پروتستان‌ها، اعتقاد به کلیسا به هر شکل عجیب به نظر برسد. بنابراین، شاید مفید باشد توضیح بدهیم که وقتی اعتقادنامه می‌گوید: «من به... کلیسا ایمان دارم»، به این معنا نیست که ما ایمان خود را بر کلیسا قرار می‌دهیم. در عوض، به این معنی است که بر این باور تاکید داریم که کلیسا مقدس یا تقدیس شده و جامع، یعنی جهانی است.

و اعتقاد ما بر جماعت مقدسین یا همان مشارکت مقدسین مبتنی بر این حس و درک است که مسیحیت تاریخی و اولیه بر اهمیت کلیسا اصرار می‌ورزد.

در این درس، تمرکز ما تنها بر روی دو جنبه از کلیسا است که نقش محوری در پیوند با اصول ایمان در اعتقادنامه رسولان دارد. از یک طرف، به مشارکت در کلیسا خواهیم پرداخت. و از سوی دیگر، حفظ آموزه‌ها و اصول اعتقادی توسط کلیسا را در نظر خواهیم گرفت. بیایید با مشارکت در کلیسا کار را آغاز کنیم.

مشارکت

وقتی اعتقادنامه می‌گوید: «من به... کلیسای جامع مقدس ایمان دارم»، در واقع بر اهمیت شراکت در کلیسا تاکید می‌کند. البته، در تاریخ کلیسای مسیحی، بسیاری بوده‌اند که می‌خواستند خدا به عنوان پدر، عیسای مسیح را به عنوان خداوند، و روح القدس به عنوان مدافع آنها باشد، اما نمی‌خواستند به بخشی از کلیسای مرئی یا قوم جمع شده خدا، تعلق داشته باشند. همانطور که در عبرانیان ۱۰: ۲۵ عنوان شده است:

و از با هم آمدن در جماعت غافل نشویم چنانکه بعضی را عادت است، بلکه یکدیگر را نصیحت کنیم و زیادتیر به اندازه‌ای که می‌بینید که آن روز نزدیک می‌شود (عبرانیان ۱۰: ۲۵).

حتی در قرن اول، برخی از ایمانداران می‌خواستند از تجمع کلیسا به عنوان محلی برای عبادت، تعلیم و مشارکت، جلوگیری کنند. اما کتاب مقدس چنین تعلیم می‌دهد که کلیسا برای مسیحیان مهم و ضروری است. البته، کسانی که در ابتدا اعتقادنامه رسولان را مورد استفاده قرار دادند، این را دوست نداشتند. در مقابل، اعتقادنامه به ویژه در کلیسا مورد استفاده قرار گرفت. و توسط کسانی که برای تعمید به کلیسا آمدند مورد تأیید قرار گرفت. چنین اشخاصی آمده بودند تا حقیقتاً به تعداد کلیسا افزوده شده و در تجمع آن شراکت داشته باشند. این الگویی است که اعتقادنامه فرا روی ما قرار می‌دهد تا ما آن را متابعت کنیم.

با این حال، در دنیای مدرن، هنوز هم با مسیحیانی روبرو می‌شویم که از کلیسا اجتناب می‌کنند. شاید به این دلیل که آنها دین سازمان یافته را دوست ندارند. یا شاید آنها توسط سایر مسیحیان مورد بدرفتاری قرار گرفته‌اند. یا شاید فکر می‌کنند مطالعه کتاب‌های مسیحی یا تماشای تلویزیون‌های مسیحی و یا استفاده از وبسایت‌های مسیحی کافی است.

اما کتاب مقدس، به مسیحیان تعلیم می‌دهد که جماعتی واقعی و فیزیکی را شکل دهند، و اصرار دارد که این اجتماع برای هر ایمانداری بسیار مهم و ضروری است. و این به مشارکت روحانی محدود نمی‌شود، اگرچه درست است که مسیحیان از طریق مسیح و روح القدس با یکدیگر مشارکت و همدلی روحانی دارند. در عوض، اجتماع ما

باید مانند خانواده و یا یک محله باشد. و این خصوصیت شامل افرادی می‌شود که با یکدیگر مشارکت و ارتباط شخصی و نزدیکی دارند.

با در نظر داشتن اهمیت مشارکت در کلیسا، باید به آموزهٔ پایداری مقدسین توسط کلیسا و در کلیسا پردازیم.

محافظت خدا از مقدسین

از روزهای آغازین، قرائت منظم، اعترافات و حفظ کردن اعتقادنامه‌ها و اعترافات در کلیسا نقش بسیار، بسیار مهمی داشت؛ به خصوص در جوامعی چون جهان قرن اول و فراتر از آن، در مسیحیت اولیه که در آن سطح سواد بسیار کم بود. و به این ترتیب تعداد کمی از مردم قادر به خواندن بودند و حتی در میان کسانی که قادر به خواندن بودند، تعداد کمی کتاب مقدس را در اختیار داشتند. و بنابراین، اعترافات منظم این اعتقادنامه‌ها در جلسات عبادتی عمومی، دوباره نقش بسیار مهمی در ارائهٔ مؤلفه‌ها یا آنچه ممکن است قانون ایمان یا قرائت حاکم برای درک صحیح از چگونگی جمع‌آوری کتاب مقدس بخوانیم، داشتند.

- دکتر جان اتان پنینگتن

همانطور که در رابطه با اصول ایمان صحبت شد، کلیسا مصون از خطا نیست. و اعتقادنامهٔ رسولان ما را تشویق نمی‌کند که به هر چه کلیسای محلی تعلیم می‌دهد، اعتقاد داشته باشیم. در عوض، به بیان ساده این واقعیت را تصدیق می‌کند که مسیح کلیسای خود را برای محافظت و اعلام انجیل و بیان دیگر حقایق روحانی مقرر کرد. ملاحظه کنید که یهودا، برادر عیسی، در مورد ماموریت کلیسا در آیات ۳ و ۴ رسالهٔ خود، چه نوشته است:

ای حبیبان، چون شوق تمام داشتم که دربارهٔ نجات عام به شما بنویسم، ناچار شدم که الان به شما بنویسم و نصیحت دهم تا شما مجاهده کنید برای آن ایمانی که یکبار به مقدسین سپرده شد. زیرا که بعضی اشخاص در خفا درآمده‌اند که از قدیم برای این قصاص مقرر شده بودند؛ مردمان بی‌دین که فیض خدای ما را به فجور تبدیل نموده و عیسی مسیح آقای واحد و خداوند ما را انکار کرده‌اند (یهودا ۳ و ۴).

بر اساس گفتهٔ یهودا، بخشی از کار کلیسا این است که به جهت ایمان ایستادگی کند؛ به این ترتیب که از حقایق و اعتقاداتی که به کلیسا واگذار شده است، در برابر کسانی که آموزه‌ها و تعالیم نادرست را ترویج می‌دهند، حفاظت کند.

حال، باید برای بسیاری از ما روشن باشد که امروزه تعالیم غلط و عادات گناه‌آلود متعددی در بخش‌های مختلف کلیسا جای گرفته‌اند. با این وجود، خدا وظایف کلیسا را مُنحل نکرده است؛ و هرگز اعلام نکرده که گروه یا فرد دیگری باید از آموزه‌های حقیقی محافظت کند. هنوز این وظیفه و کار کلیسا است که از حقیقت حفاظت کند. و کلیسا هنوز در تلاش برای انجام وظیفهٔ خویش است. گاهی ما این کار را بهتر از دیگران انجام می‌دهیم. برخی از مبانی الاهیاتی ما به کتاب مقدس وفادار است، اما بخش‌های دیگر آن، نیاز به اصلاح دارد، و یا حتی به طور کلی باید تغییر کند. و این موضوع همیشه مصداق خواهد داشت. اما برای اهدافمان در این درس، می‌خواهیم این نکته آشکار شود که ما نمی‌توانیم تسلیم شویم. مجبور و محکوم به تلاش برای حفظ و نگاهداری آموزه‌ها در کلیسا هستیم. و اگر این وظیفه را رها کنیم، در حقیقت اصول و هستهٔ اصلی ایمان تاریخی مسیحی را انکار کرده‌ایم که می‌گوید: من به کلیسا ایمان دارم.

اکنون که اصول ایمان مربوط به خدا و کلیسا را مورد بررسی قرار دادیم، آماده‌ایم به بخش سوم بپردازیم. یعنی به توضیحاتی در مورد نجات که در اعتقادنامهٔ رسولان آمده‌اند.

نجات

اعتقادنامهٔ رسولان در انتهای خود حاوی نکات بسیاری در مورد نجات است. بعضی از مردم تعجب می‌کنند که چرا آنها در پایان اعتقادنامه مطرح شده و البته خود اعتقادنامه علت را واقعا به ما نمی‌گوید. اما، اگر شما هم به آن، آنطور که من نگاه می‌کنم، نگاه کنید، به نظر می‌رسد که اعتقادنامه می‌خواهد تثلیث را تصدیق کند: پدر، پسر، و روح القدس. تا اینکه این اطمینان حاصل شود که تجربهٔ نجات، از تثلیث نشئت می‌گیرد و نه از هرگونه ساختار و یا سیستم انسانی. تا بدانیم که خدای پدر، خدای پسر و خدای روح القدس دلیل دعوت و وعده‌ای هستند که اگر گناهان خود را اعتراف کنیم می‌توانیم نجات بیابیم. بنابراین من فکر می‌کنم بیانات مربوط به نجات در پایان اعتقادنامه آمده تا نشان دهد که میوهٔ رابطهٔ ما با خدا ریشه در کیستی خدا در تثلیث دارد.

- دکتر استیو هارپر

سه بند آخر اصول ایمانی در اعتقادنامه به جنبه‌هایی از نجات پرداخته و به طور خاص، به آموزش و بخشایش گناهان، رستخیز مردگان، و به حیات جاودانی اشاره می‌کنند. در الهیات منتظم سنتی، رستخیز و حیات جاویدان تحت سر فصل آخرت‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرند که آموزهٔ بررسی وقایع مربوط به آخرت است. اما برای ساده‌سازی کار، ما فقط آنها را تحت عنوان نجات مورد بررسی قرار می‌دهیم.

همه مسیحیان به آمرزش گناهان از طریق عمل کفاره عیسی مسیح اعتقاد دارند. ما اعتقاد داریم که اگر به گناهان مان اعتراف کرده و توبه کنیم، خدا ما را به واسطه آن، در جهنم مجازات نمی‌کند. و همانطور که اعتقادنامه رسولان خاطر نشان می‌کند، این اعتقاد کلیسا، از روز نخست بوده است. و همه ما می‌دانیم که کتاب مقدس چنین تعلیم می‌دهد که همه کسانی که بخشیده شده‌اند برکت زندگی ابدی از طریق عیسی مسیح را یافته‌اند. به عنوان مثال، یوحنا ۳: ۱۶-۱۸، ما را با این سخنان تشویق می‌کند:

زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد، هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی یابد. زیرا خدا پسر خود را در جهان نفرستاد تا بر جهان داوری کند، بلکه تا به وسیله او جهان نجات یابد. آنکه به او ایمان آرد، بر او حکم نشود؛ اما هر که ایمان نیاورد الان بر او حکم شده است، به جهت آنکه به اسم پسر یگانه خدا ایمان نیاورده (یوحنا ۳: ۱۶-۱۸).

زندگی ابدی به همه ایمانداران تعلق دارد. از بعضی جهات، از همان لحظه ایمان این زندگی ابدی آغاز می‌شود. و از آنجایی که جان‌های ما صاحب حیات جدیدی می‌شوند، دیگر هرگز نخواهند مرد. اما تصدیق ماهیت حیات جاویدان توسط اعتقادنامه، گاهی موجب شگفتی مسیحیان امروزی می‌شود. به طور خاص، اعتقادنامه در مورد رستاخیز جسم صحبت می‌کند. گاهی اوقات، مسیحیان به اشتباه فکر می‌کنند که اعتقادنامه به قیام عیسی اشاره می‌کند. اما این طور نیست. در متن اعتقادنامه، رستاخیز عیسی مسیح پیش‌تر در این واژگان ذکر شده است: «روز سوم از مردگان قیام کرد». در واقع، این اصل ایمانی دوباره تکرار نمی‌شود. بلکه زمانی که اعتقادنامه راجع به رستاخیز مردگان صحبت می‌کند، به تعلیمی کتاب مقدسی اشاره می‌کند مبنی بر این که همه مردم در روز داوری قیام خواهند کرد و آنها به سرنوشت ابدی خود خواهند رسید؛ نه چون ارواح بی‌جسم، بلکه به عنوان مخلوقات فیزیکی صاحب جسم، در پیشگاه تخت داوری خواهند ایستاد. این یکی از اصول ایمانی است که همیشه جزو تعلیم کتاب مقدس بوده و هزاران سال است که به عنوان اصلی اعتقادی در کلیسا مشخص بوده است. همانطور که عیسی مسیح در یوحنا ۵: ۲۸-۲۹ تعلیم می‌دهد:

زمانی خواهد آمد که همه مردگان صدای او را خواهند شنید و از قبرهای خود بیرون خواهند آمد؛ نیکوکاران برای حیات خواهند برخاست و گناهکاران برای محکومیت (یوحنا ۵: ۲۸-۲۹، ترجمه شریف).

اظهارات اعتقادنامه در مورد نجات به وضوح در کتاب مقدس تعلیم داده شده و همواره توسط کلیساهای کتاب مقدسی مورد پذیرش قرار گرفته است. با این وجود، بسیاری از مردم امروزی که ادعا می‌کنند پیرو مسیح هستند،

این تعلیم ابتدایی و بنیادین را رد می‌کنند. کسانی هستند که انکار می‌کنند خدا ما را در برابر گناهان مان پاسخگو می‌داند. اصرار دارند که بخشایش گناهان، امری غیرضروری است. اشخاص بی‌ایمانی در کلیساهای ما هستند که تعلیم می‌دهند: تنها همین زندگی است که وجود دارد، و هر آنچه که به اصطلاح «حیات ابدی» خوانده می‌شود، مربوط به همین زندگی کنونی ما بوده که به زمان و بر روی زمین و در بدن فیزیکی ما محدود می‌شود. بسیاری هستند که به اشتباه بر این باورند که ما به عنوان ارواح بی‌جسم، ابدیت را در آسمان سپری خواهیم کرد. به دلایلی اینچنینی، اصول ایمان در اعتقادنامهٔ رسولان، برای کلیسای امروز، به همان اندازه مهم و مرتبط است که در قرون اولیه بوده است.

به طور خلاصه، اعتقادنامهٔ رسولان بر آموزه‌های مربوط به خدا، کلیسا و نجات متمرکز شده است. در درس‌های دیگر از این مجموعه، هر یک از این مفاهیم را با عمق بیشتری بررسی خواهیم کرد. اما در حال حاضر، فقط می‌خواهیم مطمئن شویم که تصویر بزرگتری را درک کرده‌ایم: تصویری که بیانگر شماری از آموزه‌های مهم و اساسی است که به طور موثرتری مرزهای مسیحیت را در طول صدها سال تعریف کرده‌اند. تاکنون در بحث ما راجع به اعتقادنامهٔ رسولان به عنوان اصول ایمانی، از تاریخ اعتقادنامه سخن گفتیم، و نمایی کلی از الاهیات آن ارائه کردیم. اکنون آمادهٔ پرداختن به موضوع سوم هستیم که پیرامون اهمیت اصول ایمانی است که در اعتقادنامهٔ رسولان بدان اشاره شده است.

اهمیت

ما به سه جنبه از اهمیت اعتقادات موجود در اعتقادنامهٔ رسولان اشاره خواهیم کرد. نخست اینکه این تعلیم اساس الاهیات مسیحی است. دوم اینکه نشان می‌دهیم این تعلیم در سطح جهانی توسط کلیسا مورد تایید و تاکید قرار گرفته‌اند. و سوم آنکه دربارهٔ طبیعت متحدکنندهٔ این اصول ایمان صحبت خواهیم کرد. اجازه بدهید نخست به ویژگی‌های بنیادی اعتقادات موجود در اعتقادنامهٔ رسولان بپردازیم.

بنیادین

اغلب مردم می‌دانند که ساختمان‌های بزرگ نیاز به بنیان محکم‌تری دارند. بنیان یک ساختمان جایی است که بقیهٔ بنا بر روی آن ساخته می‌شود. در واقع این مکان جای مستحکمی است که کل بنا را محکم در جای خود نگاه می‌دارد و به کل سازه ثبات و قوام می‌بخشد. در افسسیان ۲: ۱۹-۲۱ پولس از کلیسا به عنوان بنایی صحبت می‌کند که بر بنیاد رسولان و انبیا بنا شده است. به این آیات دقت کنید:

هموطن مقدسین هستید و از اهل خانه خدا. و بر بنیاد رسولان و انبیا بنا شده‌اید که خود عیسی مسیح سنگ زاویه است. که در وی تمامی عمارت با هم مرتب شده، به هیکل مقدس در خداوند نمو می‌کند (افسیان ۲: ۱۹-۲۱).

بدون یک بنیاد محکم و حقیقی کلیسا نمی‌توانست آن طور که شایسته خداوند است ساخته شود. به همین صورت، الاهیات مسیحی نیز اگر بخواهد خداوند را تکریم کند و برای قوم او مفید باشد، باید بر آموزه‌ها و اصول حقیقی بنا شود. همانطور که عیسی سنگ زاویه کلیسا است، تعالیم او نیز سنگ زاویه الاهیات است. و همانطور که رسولان و انبیا بنیاد کلیسا برای معرفی مسیح به جهان هستند، اعتقادنامه رسولان نیز بنیاد الاهیات است چرا که ما را با تعالیم رسولان که در کتاب مقدس نوشته شده‌اند، آشنا می‌کند.

نکته زیبا در مورد اعتقادنامه رسولان این است که آموزه‌های ضروری و اساسی مسیحی به خوبی خلاصه شده و هر مسیحی، در تمام فرقه‌های گوناگون امروزی، باید آنها را تصدیق کنند. خدا کیست، عیسی مسیح خداوند کیست، کار روح القدس چیست و نقش او در رابطه با آموزه نجات چیست، کلیسا، تمام آنچه که مربوط به داوری نهایی و بازگشت دوباره عیسی مسیح می‌شود. شما واقعا نمی‌توانید بدون این آموزه‌های اساسی و کلیدی چیزی به نام ایمان مسیحی داشته باشید.

- دکتر استفان ولوم

ماهیت بنیادی اعتقادنامه رسولان را در دو بخش در نظر خواهیم گرفت. اول، به بررسی چگونگی فراهم آمدن معیاری توسط اعتقادنامه خواهیم پرداخت که به واسطه آن بتوان دیگر آموزه‌ها را مورد قضاوت قرار داد. و دوم، به روشی خواهیم پرداخت که در آن اعتقادنامه به عنوان زیربنای منطقی‌ای ارائه می‌شود که دیگر آموزه‌های حقیقی بر آن بنا شده‌اند. بیایید با این موضوع آغاز کنیم که اعتقادنامه رسولان معیاری الاهیاتی است.

معیار

اعتقادنامه رسولان به عنوان یک معیار اعتقادی عمل می‌کند چرا که اندیشه‌های اصلی و مهم مسیحیت را ارائه می‌دهد. این عقاید آشکارا در کتاب مقدس تعلیم داده شده‌اند و همه باید آنها را درک کرده و بپذیرند. همانطور که در ابتدای این درس اشاره شد، این تعالیم برای مسیحیت ضروری هستند. در نتیجه دیگر عقاید ما باید منطبق با این تعالیم باشند. ما نمی‌توانیم عقایدی را قبول کنیم که با این تعالیم در تضاد باشند.

آیا تا به حال کسی را دیده‌اید که به جای عروسک‌ها حرف می‌زند؟ چنین شخصی چنان حرف می‌زند که به نظر می‌رسد حرف نمی‌زند. این افراد، معمولاً با عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی، نمایش اجرا می‌کنند گویی که

عروسک با آنها حرف می‌زند. افراد ماهر می‌توانند به گونه‌ای اجرا کنند که گویی عروسک زنده است. مهم نیست چقدر این کار را ماهرانه انجام دهند چون همه ما می‌دانیم کسی که در حقیقت صحبت می‌کند، آن اشخاص هستند و نه عروسک‌ها. چرا؟

پاسخ، روشن است. ما می‌دانیم که عروسک‌ها زنده نیستند و نمی‌توانند صحبت کنند. بنابراین وقتی عروسکی را می‌بینیم که سخن می‌گوید بر اساس معیارهایی که می‌دانیم حقیقی است درباره‌شان قضاوت می‌کنیم. مهم نیست چقدر صحبت کردن عروسک‌ها حقیقی جلوه کند؛ معیارهای ما به ما می‌گویند که ظاهر موضوع فریبنده است؛ در نتیجه آن را باور نمی‌کنیم. شاید قادر نباشیم ظاهر زنده عروسک‌ها و سخن گفتن آنها را توضیح دهیم اما می‌دانیم که حتما توضیحی منطقی در پس آن وجود دارد که با معیارهای ما همخوان است.

به همین صورت اعتقادنامه رسولان نیز خلاصه‌ای است از اعتقادات اصلی ما که آنها را قویا حفظ می‌کنیم و به هیچ عنوان حاضر به تغییر آنها نیستیم. ما معتقدیم که کتاب مقدس درباره موارد ذکر شده در اعتقادنامه رسولان به روشنی سخن گفته و به اندازه‌ای اهمیت دارند که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. بنابراین مهم نیست که مردم چه تصویری از آنها ترسیم کنند؛ ما هر نوع باوری را که با تعالیم اصلی کتاب مقدس در تضاد باشد رد خواهیم کرد.

وقتی اعتقادنامه رسولان را به عنوان معیار خویش در نظر می‌گیریم، در زمان مواجهه با معلمین کذب که الاهیات نادرستی به ما تعلیم می‌دهند، بیشتر به کتاب مقدس وفادار می‌مانیم. اغلب ما با کسانی روبرو شده‌ایم که در مباحثه و مجاب کردن افراد مهارت دارند؛ به طوری که همه ما راغب می‌شویم تا حرف‌های ایشان، ولو اینکه دروغ و اشتباه باشند را قبول کنیم. بنابراین بد نیست که فهرست کوتاهی از اعتقادات اصلی خودمان را داشته باشیم تا ما را نسبت به تعالیم کتاب مقدس محکم نگاه دارند. اعتقادنامه رسولان می‌تواند چنین لنگرگاهی برای ما باشد. به عنوان مثال، کلیسا در قرون اولیه خود با اعتقادات خلاف واقعی روبرو شد. یکی از این موارد مکتب ناستیکی بود. مکتب ناستیکی در کنار دیگر تعالیم خود چنین تعلیم می‌داد که بدن جسمانی ما شریر است و نجات شامل رهایی جان از زندان جسم است. حال اینکه همه مسیحیان کلیسای اولیه قادر به رد این عقیده نبودند. اما کسانی که بر مبنای اعتقادنامه رسولان تعلیم دیده بودند به طور قطع این تعلیم را رد کردند؛ چرا که کتاب مقدس درباره قیام جسم تعلیم می‌دهد. این تعلیم به ما می‌آموزد که مسیح ما را به عنوان یک شخص کامل فدیة داده است و این نه فقط شامل جان، بلکه جسم ما نیز می‌شود.

ما اکثرا با اطلاعات غلط و اشتباهی که توسط افراد ماهر در مباحثه ارائه می‌شوند، دچار سردرگمی می‌شویم؛ حال آنکه همیشه قادر به توضیح اشتباهات آنان نیستیم. اما با این وجود، اگر این مباحث با اعتقادنامه رسولان در تضاد باشند می‌توانیم با قاطعیت آنها را رد کنیم چراکه می‌دانیم این اعتقادنامه منطبق با کتاب مقدس است.

البته هیچگاه نمی‌خواهیم که اعتقادنامه رسولان یا هر اظهار نظری را با کتاب مقدس همسطح کنیم. هیچ تردیدی در درستی کتاب مقدس نیست. حتی موضوع ایمان در اعتقادنامه رسولان اگر با کتاب مقدس در تضاد باشد

باید رد شود. اما اعتقادنامهٔ رسولان از قرون اولیهٔ کلیسا و در گذر زمان اعتبار خود را تثبیت کرده است و بارها نشان داده که می‌تواند تصویر دقیقی از کتاب مقدس را به نمایش بگذارد. بنابراین باید از آن به عنوان معیار معتبری برای ارزیابی اعتقادات مختلف که در جهان معاصر با آنها روبرو می‌شویم استفاده کنیم.

حال که اعتقادنامهٔ رسولان را به عنوان معیار سودمندی برای بررسی اعتقادات مختلف در نظر گرفتیم، می‌توانیم دربارهٔ دیگر جنبه‌های اساسی آن صحبت کنیم. از این جنبه‌ها به عنوان اساس منطقی برای بررسی دیگر جنبه‌های الهیاتی استفاده می‌کنیم.

اساس منطقی

ارتباط منطقی موجود بین عقیده‌ها همانند ارتباط رودخانه با سرچشمهٔ آن است. عقایدی که اساس منطقی را شکل می‌دهند مثل سرچشمهٔ رودخانه هستند. آنها منشأ دیگر عقاید بوده و عقایدی که از نظر منطقی وابسته به دیگر عقاید هستند به رودخانه‌ای می‌مانند که از سرچشمهٔ خود نشأت گرفته‌اند. بنابراین وقتی می‌گوییم که عقیده‌ای اساس منطقی عقیدهٔ دیگری را شکل می‌دهد، منظورمان این است که می‌توانیم در یک مباحثهٔ معقول از اساس یک عقیده شروع کرده و به دیگر عقاید که نشأت گرفته از آن هستند، بپردازیم. برای مثال، اعتقادنامهٔ رسولان صراحتاً مطالب کمی دربارهٔ خدای پدر می‌گوید. تنها چیزی که در این باره می‌گوید چنین است:

من به خدای پدر، قادر مطلق، خالق آسمان و زمین ایمان دارم.

اما این اعتقاد اساس منطقی بسیاری از مسائل است که ما دربارهٔ خدای پدر به آنها اعتقاد داریم. برای مثال، ما بر اساس این عقیده که خداوند خالق آسمان و زمین است به درستی ایمان داریم که او بر آسمان و زمین اقتدار دارد و اینکه خلقت تماماً نیکو است و می‌توانیم با نگاه کردن به طبیعت جهان، بیشتر دربارهٔ خداوند یاد بگیریم.

می‌توانیم ارزش آموزهٔ منطقی اولیه را با نگاه به درخت به تصویر بکشیم. شاید زمین را به عنوان کتاب مقدس تلقی کنیم، که درخت الهیات از درون آن رشد می‌کند. تنهٔ درخت و شاخه‌های اصلی آن، نشان‌دهندهٔ اساسی‌ترین آموزه‌های الهیات مسیحی هستند. و همهٔ اینها متکی بر اساس کتاب مقدس است. شاخهٔ اصلی به شاخه‌های بیشتر و کوچکتری تقسیم می‌شود که آنها اعتقادات منطقی‌ای هستند که از شاخه‌های بزرگتر نشأت و جریان می‌یابند. وقتی به برگ‌های درخت نگاه می‌کنیم، در واقع به دنبال ایده‌هایی می‌گردیم که بر شاخه‌های کوچکتر اتکا دارند. هنگامی که به این ترتیب موضوع را به تصویر می‌کشیم، ارزش پرداختن به اعتقادنامهٔ رسولان هویدا می‌شود. لازم است که آموزه‌های اساسی و مهم‌تر را اول بیاموزیم. شکل درخت را دقیقاً در جای خود نگاه داشته، و ریشه‌هایش در کتاب مقدس را محکم کنیم.

این کار، دو امر را برای ما میسر می‌سازد. اول، به ما کمک می‌کند تا در نظام الاهیاتی خود، رابطه بین اعتقادات مختلف و متفاوت را بهتر ببینیم. دوم، در مورد آموزه‌هایی که از کتاب مقدس فاصله بیشتری دارند، به ما کمک می‌کند تا آنها را با ایده غیراساسی خود هماهنگ‌تر کنیم.

عقاید موجود در اعتقادنامه رسولان اساس حقایق مسیحیت را متبلور می‌کنند. تاریخ اعتقادنامه رسولان از قرن دوم آغاز می‌شود و در طول این قرن شکل‌های مختلفی به خود گرفته و در نهایت به شکل امروزی خود در آمده است. شما می‌توانید پدر، پسر، روح‌القدس یعنی تثلیث اقدس و همچنین تجسم، مرگ کفاره‌ای، قیام پیروزمندانه و بازگشت دوباره عیسی خداوند را در اعتقادنامه رسولان مشاهده کنید. می‌توانید در آن بخشش گناهان و واقعیت کلیسا را که همان اجتماع کسانی است که در مسیح تولد تازه یافته‌اند را مشاهده کنید. به اعتقاد من، هیچ کاری سالم‌تر از آن نیست که در هر کلیسایی به طور منظم به اعتقادنامه رسولان پرداخته بشود و عقاید موجود در آن را برجسته کرد.

- جی. آی. پکر

حال که به اهمیت اعتقادنامه رسولان از جنبه طبیعت بنیادین آن نگاه کردیم، آماده‌ایم که تایید جهانی تعالیم آن را توضیح دهیم.

جنبه جهانی

یکی از راه‌های تشخیص صحت یک حقیقت این است که به شاهدان مختلف آن گوش کنیم. هر چقدر تعداد شهادت‌های مربوط به صحت یک عقیده بیشتر باشد، به همان اندازه احتمال اینکه به آن عقیده ایمان بیاوریم بیشتر می‌شود. همین مسئله درباره الاهیات نیز صدق می‌کند. برای اینکه تصمیم بگیریم عقیده‌ای را باور کنیم یا نه، می‌توانیم به تاریخ مراجعه کرده و ببینیم که گذشتگان چه چیزهایی را باور داشتند و علاوه بر این، می‌توانیم تحقیق کنیم که مردم معاصر ما به چه چیزی اعتقاد دارند. زمانی که می‌خواهیم درباره اعتقادنامه رسولان تحقیق کنیم، می‌بینیم که اعتقادات موجود در آن همواره توسط بسیاری از مسیحیان در مکان‌های مختلف مورد قبول بوده است.

ذات جهانی موضوع ایمان در اعتقادنامه رسولان را در سه برهه از تاریخ بررسی خواهیم کرد. ابتدا خواهیم دید که اساس این اعتقادات در عهد جدید است. دوم اینکه می‌بینیم چگونه این اعتقادات در طول تاریخ کلیسا توسط بیشتر مسیحیان مورد پذیرش بوده و سوم اینکه نگاهی خواهیم انداخت بر نقش این اعتقادات در شکل دادن کلیسای امروز. نخست با عهد جدید و تایید این اعتقادات از سوی آن شروع می‌کنیم.

عهد جدید

از نخستین روزهای کلیسا دربارهٔ تعالیم مسیح و رسولان وی اختلاف نظر وجود داشت. برخی از این اختلافات از بیرون کلیسا و برخی نیز از درون کلیسا بودند. برای مثال، پولس به طور مرتب در مخالفت با مسیحیان یهودی نوشته و با نظر ایشان دربارهٔ ختنه شدن امت‌ها مخالف بود؛ همانطور که در غلاطیان باب ۵ می‌خوانیم. دوم پطرس باب ۲ دربارهٔ معلمین کذبۀ موجود در کلیسا هشدار می‌دهد. عهد جدید مملو از مثال‌هایی است که عیسی و رسولان باورهای اشتباه مردم را اصلاح می‌کنند.

اشتباهات در کلیسا زمانی که عقاید اصلی را تحت تاثیر قرار می‌دهند، بسیار خطرناکند. به همین دلیل است که عیسی و نویسندگان عهد جدید در مورد اصلاح باورهای بنیادی و الاهیاتی مُصَرِّه هستند. نکتهٔ قابل توجه این است که وقتی آنها اصلاحات خود را بیان می‌کردند، همگی با یکدیگر اتفاق نظر داشتند. علی‌رغم تعالیم غلطی که امروزه در کلیسا وجود دارند، عهد جدید اتحاد اعتقادی خویش را حفظ می‌کند.

حقیقت این است که کلیسا کائن کتاب مقدس را از همین کتاب‌ها تهیه کرده؛ هرچند قرن‌ها طول کشید تا کلیسا این کار را انجام دهد، ولی همین اتفاق به خودی خود نشان می‌دهد که نظر کلیسا بر این بوده است که باید یک هستهٔ متحد داشته باشد. این موضوعی نیست که بتوان به راحتی از آن گذشت بلکه نظریه‌ای است که در حقیقت رأی محققین کتاب مقدس در دو هزار سال گذشته بوده است. با این وجود وقتی در مورد اتحاد موجود در عهد جدید صحبت می‌کنیم، باید در نظر داشته باشیم که دیدگاه‌های مختلفی نیز وجود داشتند. اما موضوع عملی این است که اختلاف دیدگاه لزوماً تضادی با ثبات اعتقادی ندارد. شما با دیدگاه‌های مختلفی رو به رو می‌شوید، تأکیدات متفاوت و اختلاف در نحوهٔ بیان حقیقت و جنبه‌های مختلفی از واقعیت را می‌بینید. اما دست آخر حداقل از دید من بین کتاب‌های متعدد عهد جدید هیچ تضادی وجود ندارد.

- دکتر دیوید بائور

در سایهٔ همین اتحاد، وقتی عهد جدید، ایمان موجود در اعتقادنامهٔ رسولان را تأیید می‌کند، منصفانه است که بگوییم این تأیید، همگانی است. اعتقادنامه بر الوهیت پدر، پسر و روح القدس اشاره می‌کند و در عین حال، تأکید می‌کند که تنها یک خدا وجود دارد. اناجیل به ما حقایق اعتقادی را در مورد مسیح، تولد، حیات، خدمت، مرگ، قیام و صعود وی ارائه می‌دهند. کتاب‌های عهد جدید کاملاً از اصول اعتقادی موجود دربارهٔ کلیسا و نجات پشتیبانی می‌کنند.

حال که نگاهی به عهد جدید انداختیم، بیایید ببینیم که چگونه این حقایق توانسته‌اند در طول تاریخ کلیسا، مسیحیت را در سراسر جهان شکل دهند.

تاریخ کلیسا

درست مانند کلیسا در عهد جدید، کلیسای قرون بعدی نیز انواع الاهیات را به نمایش گذاشته است. حتی در بسیاری از مسائل جزئی نیز وحدت نظر بسیار کمی وجود داشته است. اما آموزه‌های اصلی و محوری‌تر، مانند اصول ایمان در اعتقادنامهٔ رسولان، تقریباً با تایید عمومی و جهانی مواجه شده‌اند. و در مواردی که این عقاید اساسی رد شده‌اند، کلیسا و تاریخ تا حد بسیاری به مخالفان و تفرقه‌اندازان و معلمان کذب اهمیت داده است.

تنها به عنوان یک نمونه، حوادث قرن چهارم میلادی را در نظر بگیرید. اولین نسخهٔ اعتقادنامهٔ رسولان تقریباً در این زمان مورد استفاده قرار می‌گرفت. در این مرحله از تاریخ، بدعت‌های متعددی به وجود آمده بود که کلیسا باید در شوره‌های خود به آنها می‌پرداخت. برخی از این شوراها محلی بودند، اما دیگر شوراها جهانی محسوب می‌شدند؛ به این دلیل که آنها اغلب شامل حضور اسقف‌هایی از بخش‌های مختلف کلیسا در سراسر جهان بودند. به عنوان مثال، شورای نیکیه در سال ۳۲۵ میلادی و شورای قسطنطنیه در سال ۳۸۱ میلادی، شوره‌های عام و جهانی قلمداد می‌شدند چرا که با مسائل متعددی مربوط به اصول ایمان در اعتقادنامهٔ رسولان پرداخته بودند.

نسخه امروزی اعتقادنامهٔ نیکیه در ابتدا در شورای نیکیه در سال ۳۲۵ میلادی تنظیم شده است، و شکل امروزی آن در شورای قسطنطنیه در سال ۳۸۱ میلادی پدید آمد. می‌توان گفت که این اعتقادنامه تا حد بسیاری شرح و بسط اعتقادنامهٔ رسولان است، و به نحوی در نظر گرفته شده است تا ایده‌های متعددی را روشن کرده و تفسیرهای نادرست از اعتقادنامه را رد کند.

به عنوان مثال، بدعتی که به عنوان مکتب ناستیکی شناخته می‌شد، چنین تعلیم می‌داد که خدای کتاب مقدس، خالق جهان، خود توسط خدای دیگری خلق شده است. بدعت‌هایی مانند مکتب ناستیکی به طور واضحی توسط اعتقادنامهٔ رسولان محکوم نشده بودند؛ بنابراین اعتقادنامهٔ نیکیه از زبانی استفاده می‌کند تا قصد و منظور اعتقادنامهٔ رسولان روشن‌تر شود.

به طور خاص، جایی که اعتقادنامهٔ رسولان اعلام می‌کند: «من به خدای پدر، قادر مطلق، خالق آسمان و زمین ایمان دارم». اعتقادنامهٔ نیکیه به جهت بسط بیشتر، این بیانیه را چنین ارائه می‌دهد: «من ایمان دارم به خدای یکتا پدر قادر مطلق، آفریدگار آسمان و زمین، و هر آنچه پیدا و ناپیداست.» در اینجا به این چهار نکته توجه کنید: اول، اعتقادنامهٔ نیکیه مبتنی بر اعتقادنامهٔ رسولان است. اینکه شورای نیکیه اساس و پایهٔ اعتقادنامهٔ خود را بر مبنای اعتقادنامهٔ رسولان قرار داده است، نشان‌دهندهٔ این حقیقت است که کلیسا به شکلی جهانی و عام اعتقادنامهٔ رسولان را تایید می‌کرد.

دوم، اعتقادنامهٔ نیکیه به جای کلمهٔ «من» با کلمهٔ «ما» آغاز می‌شود؛ در حالی که اعتقادنامهٔ رسولان بیشتر به عنوان اعتراف فردی ایمان در مراسم تعمید در نظر گرفته می‌شد، اعتقادنامهٔ نیکیه به منزلهٔ بیانیه‌ای است که نشان می‌دهد کلیسا به شکلی جهانی و جمعی، همان آموزه‌ها را تایید می‌کند.

سوم، اعتقادنامهٔ نیقیه با اضافه کردن کلمهٔ «یک» قبل از واژهٔ «خدا» آنچه را که اعتقادنامهٔ رسولان در حالتی ضمنی بیان نموده را به شکلی صریح و روشن ارائه می‌دهد و آن این بود که خدا یکتاست. و چهارم، اعتقادنامهٔ نیقیه روشن می‌کند که خدا همه چیز را خلق کرد، از جمله چیزهایی نامرئی مانند ارواح. این خود روشن می‌کند که خدا مخلوق نیست. باز هم، این نکته به شکلی ضمنی در اعتقادنامهٔ رسولان مطرح شده بود، اما اعتقادنامهٔ نیقیه به طوری روشن‌تر و ساده‌تر این موضوع را بیان می‌کند.

این نوع تصدیقات و توضیحات در ادامه توسط دیگر شوراها و الاهی‌دانان در طول قرن‌ها ادامه یافت. در آن زمان، تصمیمات شوراها توسط همهٔ کلیساها پذیرفته نمی‌شد. یک شورا نظرات برخی از کلیساها را محکوم می‌کرد و شورای دیگر، دیدگاه‌های دیگر کلیساها را محکوم می‌کرد. اما در اغلب موارد، کلیسا در هر دو طرف از این مجادلات، به تأیید اصول اساسی اعتقادنامهٔ رسولان ادامه می‌داد.

به همین دلیل، اعتقادنامهٔ رسولان عموماً به عنوان بیانیه‌ای از اساسی‌ترین و همگانی‌ترین اصول ایمان مسیحی در نظر گرفته می‌شود. فقط اعتقادنامهٔ نیقیه از نظر پذیرش عام و جهانی در طول تاریخ به اعتقادنامهٔ رسولان نزدیک شده است. اما تقریباً می‌توان گفت که اعتقادنامهٔ نیقیه، بنیادین نیست و شامل چندین اظهار الیهیاتی است که حتی الاهی‌دانان نیز اغلب در مورد آن دچار سوءتفاهم می‌شوند. به همین دلیل است که اعتقادنامهٔ رسولان را به عنوان اساس این مطالعه راجع به اصول اصلی ایمان مسیحی قرار داده‌ایم.

تاکنون توافق عمومی عهد جدید با اعتقادنامهٔ رسولان را نشان دادیم و به پذیرش آموزه‌های آن در طول تاریخ کلیسا اشاره کردیم. حال آماده‌ایم تا دربارهٔ زمان حال صحبت کنیم، چرا که هنوز هم همین باورها مشخصهٔ کلیسای مسیحی است.

زمان حال

در هر عصری، معلمین کذب اعتقادات اساسی‌ای را که کلیسا در طی قرن‌ها باور داشته، رد کرده‌اند. در عصر حاضر فرقه‌هایی چون شاهدان یهوه و مورمون‌ها خودشان را مسیحی معرفی می‌کنند، چون کتاب مقدس را قبول داشته و به نوعی سعی در پیروی از مسیح دارند؛ اما آنها مسیحیان واقعی نیستند چرا که اعتقادات اصلی مسیحیت که بیش از دو هزار سال مورد قبول بودند را انکار می‌کنند؛ یعنی اعتقاداتی که در اعتقادنامهٔ رسولان نیز دیده می‌شوند. حتی برخی کلیساها که به عنوان یک فرقه نیز شناخته نمی‌شوند، این تعالیم بنیادی را رد می‌کنند؛ همانطور که برخی معلمین در کلیساها به طور مستقل با این اعتقادات موافق نیستند.

اما اگر بسیاری از مردم اعتقادات موجود در اعتقادنامهٔ رسولان را رد می‌کنند، چگونه می‌توانیم مدعی شویم که امروزه این اعتقادنامه در سطح جهانی پذیرفته شده است؟ خُب پاسخ این سوال دو جنبه دارد. اول اینکه اکثریت کلیساهایی که خود را مسیحی می‌خوانند این اعتقادات را قبول دارند. این اعتقادات در تمام کلیساهای پروتستان از

جمله باپتیست‌ها، متودیست‌ها، لوتری‌ها، انگلیکن‌ها، پرزبیتری‌ها و غیره تعلیم داده می‌شوند. به همین صورت، این اعتقادات توسط درصد قابل توجهی از کلیساهای غیرپروتستان مانند کلیسای کاتولیک رومی و کلیسای ارتودکس شرقی مورد پذیرش هستند.

گذشته از این، نمی‌توان کلیساهایی که چنین اعتقاداتی را رد می‌کنند، مسیحی نامید. هرچند این کلیساهای کتاب‌مقدس را تایید می‌کنند و خود را پیرو مسیح می‌خوانند، اما در حقیقت تعلیم کتاب‌مقدس و تعلیم کلیسای تاریخی را نمی‌پذیرند و به همین خاطر نمی‌توان آنها را مسیحی واقعی نامید.

وقتی بخواهیم دربارهٔ اهمیت اعتقادنامهٔ رسولان صحبت کنیم، همین بس که بگوییم این اعتقادات برای حیات کلیسا، درک ما از ذات انجیل و راجع به نجات مسیح ضروری و لازم هستند. برای مثال، اعتقادنامه به ما دربارهٔ تثلیث یعنی خدای پدر، خدای پسر و خدای روح‌القدس می‌گوید. بنابراین زمانی که می‌خواهیم مسیحی بشویم، نمی‌توانیم ادعا کنیم که تثلیث نقش کم‌رنگی بر ایمان ما داشته و تنها تا حدودی آن را جلال می‌دهد بلکه در حقیقت تثلیث خداوند را به ما معرفی می‌کند و به ما می‌گوید که خدای واقعی در ذات خود کیست.

- دکتر استیو بلیک‌مور

به نظر من اعتقادات موجود در اعتقادنامهٔ رسولان برای مسیحیت ضروری و بنیادی است و در حقیقت اگر از این اعتقادات دور بشوید، در واقع از اعتقادات تاریخ کلیسا دور می‌شوید. این تجربهٔ کلیسای اولیه است که متوجه می‌شود راه‌های مختلفی می‌تواند برای تفسیر کتاب‌مقدس وجود داشته باشد ولی آنها راه درست را نشان دادند. مثل ریل راه آهن، این بهترین خطی است که می‌توان در مسیر آن کتاب‌مقدس را تفسیر کرد. اگر به مسیر دیگری بروید از اساس ایمان مسیحی دور خواهید شد. از نظر من اعتقادنامهٔ رسولان تا به امروز توانسته است محتوای اساسی ایمان مبتنی بر کتاب‌مقدس را به خوبی ارائه بدهد.

- دکتر پیتر واکر

از آنجایی که اعتقادات نوشته شده در اعتقادنامهٔ رسولان بسیار بنیادی و جهانی هستند، به همین خاطر تاثیر زیادی در اتحاد ایمانداران دارند. امروزه این ویژگی بسیار حائز اهمیت است چرا که در کلیسای معاصر شاهد تقسیمات بسیاری هستیم.

متحد کننده

احتمالا با مسیحیانی برخورد کرده‌اید که با خلوص نیت در یادگیری هر نوع الاهیاتی از خود مقاومت نشان می‌دهند چرا که معتقدند هر نوع آموزه‌ای صرفا منجر به منقسم شدن مسیحیان علیه یکدیگر می‌شود. آنها با این

شعار که: «عیسی ما را متحد کرد ولی آموزه‌ها ما را منقسم»، از مقاومت خود در برابر الاهیات رسمی دفاع می‌کنند. البته در این دیدگاه حقیقتی نیز نهفته است. در طول سالیان، مسیحیان از هم جدا شده، همدیگر را محکوم کرده و آزار رسانده‌اند. حتی نسبت به آموزه‌های خود جنگ‌ها به راه انداختند. حتی عهد جدید نیز کلیسا را تشویق می‌کند تا اتحاد آموزه‌ای داشته باشد. برای مثال در افسسیان ۴: ۱۱-۱۳ با این آیات روبرو می‌شویم:

و او بخشید بعضی رسولان و بعضی انبیا و بعضی مبشرین و بعضی شبانان و معلمان را، برای تکمیل مقدسین، برای کار خدمت، برای بنای جسد مسیح، تا همه به یگانگی ایمان و معرفت تام پسر خدا و به انسان کامل، به اندازه قامت پری مسیح برسیم (افسسیان ۴: ۱۱-۱۳).

در این متن، پولس از کلیسا به عنوان بدن مسیح یاد می‌کند و نشان می‌دهد که کلیسا تنها زمانی می‌تواند در مسیح به کمال و بلوغ خود برسد که در ایمان و معرفت متحد شود. به همین خاطر اتحاد در آموزه‌ها باید هدف همهٔ مسیحیان باشد.

بدیهی است که جنبه‌های دیگر زندگی مسیحی نیز باید بر مطالعهٔ آموزه‌ها تأثیرگذار باشند. باید خداوند و همسایهٔ خود را محبت کنیم، مقدس زندگی کنیم، بر قدرت روح القدس متکی باشیم و دربارهٔ خداوند و کلام وی تفکر کنیم. وقتی تنها بر آموزه‌ها تمرکز کرده و چشم بر دیگر مسائل بیندیم، به شدت گمراه خواهیم شد. همانطور که پولس رسول در اول قرنتیان ۱۳: ۲ هشدار می‌دهد:

و اگر نبوت داشته باشم و جميع اسرار و همهٔ علم را بدانم و ایمان کامل داشته باشم، به حدی که کوه‌ها را منتقل کنم و محبت نداشته باشم، هیچ هستم (اول قرنتیان ۱۳: ۲).

همانطور که این آیه و دیگر آیات نشان می‌دهند، به دست آوردن معرفت الاهیاتی مهم است ولی بزرگترین محصول ایمان مسیحی نیست.

یکی از موثرترین راه‌های پیشگیری از نتایج مخرب مشاجرات الاهیاتی این است که در وحدت آموزه‌ای با دیگر پیروان مسیح سهیم بوده، و از آن شاد و خرسند باشیم. وقتی نگرانی‌های خود دربارهٔ جزئیات الاهیات را با نگرانی‌های موجود دربارهٔ اتحاد می‌سنجیم، این آموزه‌ها می‌توانند ما را بیش از آنکه منقسم کنند با یکدیگر متحد سازند.

امروزه دغدغهٔ کلیسای عیسای مسیح اتحاد است. ما با گروه‌های مذهبی بسیار، دیدگاه‌های مختلف دربارهٔ موضوعاتی از قبیل روح‌القدس، زنان و تعمید رو به رو هستیم. اما این طور به نظر می‌آید که امروزه در قرن بیست و یکم، بیشتر به دنبال آن هستیم که بتوانیم به ظاهر دور هم جمع شده و جهان را به سمت خودمان جذب کنیم به جای اینکه به دنبال حقیقت باشیم. جالب است وقتی خداوند ما عیسای مسیح و پولس رسول دربارهٔ اتحاد صحبت می‌کنند (انجیل یوحنا باب ۱۷ و افسسیان باب ۴) بیشتر دربارهٔ اتحادی صحبت می‌کنند که ما به خاطر داشتن یک خداوند، یک ارباب، یک روح، یک ایمان و یک تعمید داریم. اینها حقایق یا محتوای حقایقی هستند که به آنها ایمان داشته و باید اساس اتحاد ما در مسیح باشند.

- دکتر ساموئل لینگ

در تمامی جهان صدها میلیون پیرو حقیقی عیسای مسیح وجود دارند که بر تعالیم اساسی کتاب مقدس که در اعتقادنامهٔ رسولان آمده است، سخت و محکم متعهد هستند. در واقع تعداد بیشماری از مسیحیان هستند که به خاطر چنین تعهدی جفا دیده و حتی شهید می‌شوند. آنها ممکن است دربارهٔ موضوعات الهیاتی بسیاری با ما اختلاف داشته باشند. در حقیقت شاید با بعضی از دیدگاه‌ها که برای ما بسیار باارزش هستند مخالفت کنند. اما علی‌رغم این اختلافات، بر اساس آنچه اعتقادنامهٔ رسولان دربارهٔ خدا، کلیسا و نجات می‌گوید با همدیگر متحد می‌مانیم. به یاد بیاورید که عیسی در یوحنا ۱۷: ۲۳ چه دعایی برای کلیسا می‌کند:

من در ایشان و تو در من، تا در یکی کامل گردند و تا جهان بداند که تو مرا فرستادی و ایشان را محبت نمودی چنانکه مرا محبت نمودی (یوحنا ۱۷: ۲۳).

توجه داشته باشید که عیسی می‌گوید اتحاد در کلیسا دلیلی بر آن است که او از سوی پدر فرستاده شده است. وقتی ما با دیگر پیروان مسیح شانه به شانه ایستاده و از اشتراکات الهیاتی خود سخن می‌گوییم به دنیا شهادت می‌دهیم که انجیل حقیقت و راستی است و این موضوع سبب تقویت بشارت انجیل از سوی ما می‌شود.

با داشتن تعریفی از انجیل و توافق بر سر زمینه‌های مشترک آن، به نظر من یکی از راه‌های حفظ اتحاد و راستی این است که نسبت به اتحاد موجود در انجیل متعهد باشیم؛ به طوری که این اتحاد را نسبت به یکدیگر، در زندگی و خدمت نیز حفظ کرده و از یکدیگر نخواهیم که تعهد خود را نسبت به راستی و حقیقت ترک کنیم. اما زمینه‌هایی را که در آنها دارای اختلاف نظر هستیم به فال نیک می‌گیریم. اختلاف نظر ما همراه با حفظ احترام است. اختلاف نظر ما از روی آگاهی و بصیرت است. اختلاف نظر ما همراه با محبت است. ما به دنبال نقاط مشترکی هستیم که

در راستای تعهد و راستی در آنها احساس شادی کنیم. و تا اندازه‌ای در سایر موارد باور داریم که شادی اتحاد ما مخدوش نشود و اختلافات ما در سایر موارد الیهیاتی به اندازه‌ای معقول باشند.

- دکتر لیگن دانکن

اعتقادنامه رسولان می‌تواند به مسیحیان در هر جایی کمک کند تا بتوانند میان اعتقادات ضروری و اعتقادات و باورهایی که از درجه دوم اهمیت برخوردارند، تمایز قائل شوند. همانطور که ما بر اهمیت این اعتقادنامه در زندگی شخصی و زندگی جمعی کلیسا تاکید می‌کنیم، گرایش‌های الیهیاتی ما را لزوماً از یکدیگر جدا نمی‌کند. در عوض، ما خودمان را بیشتر در اتحاد با دیگر خدمت‌گزاران وفادار مسیح می‌یابیم که در نتیجه به تحقق چشم‌انداز و رویای عیسای مسیح برای کلیسای خویش می‌انجامد.

نتیجه‌گیری

در این درس درباره تاریخچه اعتقادنامه رسولان، هدف، و سیر تکامل آن صحبت کردیم و در طول این درس به موضوع ایمان در اعتقادنامه رسولان پرداختیم. همچنین نظری اجمالی به آموزه اعتقادنامه رسولان از منظر خدا، کلیسا و نجات داشتیم و بر اهمیت موضوع ایمان در ماهیت بنیادی، جهانی و یگانگی آن اشاراتی کردیم. اعتقادنامه رسولان یک سند بسیار مهم تاریخی است که اعتقادات اصلی مسیحیت را در طول صدها سال در خود به طور خلاصه جمع کرده است. حتی امروزه نیز نقطه شروع همه الهیدانان از هر گروه مذهبی این اعتقادنامه است. در درس‌های آتی این مجموعه، به جزئیات بیشتری از موضوع ایمان در اعتقادنامه رسولان خواهیم پرداخت و می‌بینیم که آنها چگونه توانسته‌اند حقایق کتاب مقدس را ارائه کرده و تعالیم مسیحیت را در تمام جهان متحد نگاه دارند.